

ارتباط مدیریت ریسک و حسابرسی داخلی

حنان ربیعی^۱

نیلوفر خیرائی^۲

چکیده

حسابرسی داخلی به عنوان ابزار نظارتی در سازمان، امکان مدیریت بهتر فعالیت ها را برای تصمیم گیرندگان درون سازمانی فراهم می کند. با توجه به اینکه حسابرسان داخلی مسئولیت نظارت بر عملیات و کنترل فعالیت های مدیریت را بر عهده دارند؛ نقش مهمی در نظام راهبری شرکت ایفا می کنند. راهبری شرکتی، سازوکار هدایت و کنترل سازمان است که توازن مناسبی را میان آزادی مدیریت، رعایت حقوق ذی نفعان و پاسخگویی فراهم می آورد.

حسابرسی داخلی به تصمیم گیری در شرایط بحرانی کمک کرده و نسبت به صحت مدیریت ریسک در سازمان اطمینان معقولی را فراهم می کند. بنابراین، برخی از تحلیلگران، حسابرسی داخلی ضعیف را نشانه ای از ریسک شکست راهبری شرکتی می شناسند (نظری، قناد، ۱۳۹۶).

دامنه حسابرسی داخلی نه تنها حسابرسی رعایت، ارزیابی کنترل های داخلی، رسیدگی به تقلب و بررسی فرآیندهای عملیاتی را دربر می گیرد، بلکه شامل مشورت دهی به مدیریت ارشد و مشارکت در مدیریت ریسک نیز می شود (موسوی، توکل نیا، شاکری، ۱۳۹۲).

واژگان کلیدی:

حسابرسی داخلی، مدیریت ریسک، راهبری شرکتی

^۱ دانشجوی کارشناسی ناپیوسته دانشگاه علمی کاربردی، علوم مالی

^۲ دانشجوی کارشناسی پیوسته دانشگاه خوارزمی، دانشکده مدیریت - مدیریت بیمه

مقدمه

حسابرسان داخلی در سازمان تأثیر با اهمیتی بر هر فعالیتی درباره عدم انطباق یا عدم رعایت در ارتباط با رویه های برقرار شده، برنامه ها، قوانین و مقرراتی که توسط دولت ایجاد شده دارند که میتواند اثر مهمی بر فعالیتهای سازمان داشته باشد. دامنه حسابرسی داخلی نه تنها حسابرسی رعایت، ارزیابی کنترل های داخلی، رسیدگی به تقلب و بررسی فرایندهای عملیاتی را در برمی گیرد بلکه شامل مشورت دهی به مدیریت ارشد و مشارکت در مدیریت ریسک نیز میشود (استاکیوکاس، روپسیس، ۲۰۰۵).

تغییرات متوالی در حرفه حسابرسی داخلی موجب شده است که حسابرسان داخلی بر اثربخشی مدیریت ریسک و بهبود کنترل فرآیندهای راهبری شرکتی تمرکز بیشتری داشته باشند (عبدالحمیدی، ۱۳۹۳). وجود بحرانها و فسادهای اقتصادی و تغییرات در مقررات و فناوری، که محرک اصلی تغییرات گسترده در حسابرسی داخلی هستند؛ حاکی از عدم راهبری شرکتی مناسب در سازمانها است (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳). بنابراین، در چنین محیط پرچالشی ارتقای صلاحیتهای محوری و حرفهای حسابرسان داخلی اهمیت می یابد (رحمانی، ۱۳۹۳). از سویی دیگر، با افزایش سطح ریسکهای موجود در سازمان، دستیابی به سیستم حسابرسی داخلی کارا در سازمان مستلزم آگاهی در زمینه کسب و کار، چارچوب مفهومی حسابداری در سطح ملی و بین المللی و اصول و استانداردهای حسابرسی داخلی می باشد (مدیرکیا، ۱۳۹۴).

با وجود اینکه حسابرسی داخلی شامل حسابرسی مالی، عملیاتی و رعایت است؛ نقش آن طی دورههای زمانی مختلف تغییر یا توسعه مییابد. به عنوان نمونه، امروزه حسابرسی داخلی با استفاده از ابزار حاکمیتی به مدیریت ریسک کمک میکند. جدایی مالکیت از مدیریت در سازمانها به علت اهداف متفاوت طرفین به ایجاد تضاد منافع منجر میگردد. لذا راهبری شرکتی به عنوان راهکاری برای ایجاد کنترل و برقراری توازن میان منافع مدیران و سهامداران، کاهش هزینه های نمایندگی، مقابله با سود و ایجاد ارزش برای سازمانها مورد توجه قرار گرفته است (سلیمانی و مقدسی، ۱۳۹۳).

سرمایه گذاران برای تصمیم گیری، عوامل راهبری شرکتی، از جمله میزان ریسک، کیفیت قوانین و وضعیت انحصاری سازمان را مورد توجه قرار می‌دهند. شواهد بررسی حسابرسی داخلی در کشورمان نشان می‌دهد که اثربخشی حسابرسی داخلی در تحقق اهداف راهبری شرکتی در سطح پایینی قرار دارد و به بررسی اسناد حسابداری منحصر می‌شود (آزاد و بختیاری، ۱۳۹۰).

مفهوم حسابرسی داخلی، راهبری شرکتی و مدیریت ریسک

براساس قانون بورس نیویورک (۲۰۰۴) تمام شرکت های پذیرفته شده به داشتن واحد حسابرسی داخلی و ارائه نتایج آن به مدیریت ملزم هستند (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳). مدیران سازمان های انتفاعی و غیرانتفاعی برای دستیابی به اهداف سازمان و حصول اطمینان از به کارگیری منابع و باتوجه به پیچیدگی های سازمان و افزایش معاملات و مبادلات تجاری، واحدی تحت عنوان حسابرسی داخلی را ایجاد نمودند (رحیمیان و توکلنیا، ۱۳۹۱). حسابرسی داخلی ریشه در سه مفهوم مدیریت ریسک، کنترل و راهبری شرکتی دارد (ارباب سلیمانی و کمالی زارع، ۱۳۸۵). مفهوم راهبری شرکتی به سیستمی که سازمان به وسیله آن اداره و کنترل می‌شود؛ اشاره دارد (کاراتاس و اپاتاریو، ۲۰۱۴). مطابق بیانیه انجمن حسابرسان داخلی در سال ۲۰۱۴، بخش حسابرسی مالی از برنامه حسابرسی داخلی کاهش یافته است؛ درحالیکه بخش بزرگی از آن، بر اثربخشی مدیریت ریسک، راهبری شرکتی و استراتژی تجارت متمرکز شده است. امروزه حسابرسی داخلی به جزء جدایی ناپذیری از راهبری شرکتی تبدیل شده است (مولر، ۲۰۰۹). افزون بر این، مسئول نظارت و تأیید فعالیت های مدیران با دخالت مستقیم در راهبری شرکتی می‌باشد (استانسیو، ۲۰۱۲). فعالیت حسابرسان داخلی، علاوه بر ارزیابی عملکرد، اطمینان از کفایت کنترل های داخلی و پیشگیری و کشف تقلب ها، شامل حصول اطمینان از مسئولیت پذیری در راهبری شرکتی است. همچنین، حسابرسی داخلی فعالیتی هدفمند و مستقل است که نسبت به کنترل های داخلی سازمان اطمینانی را فراهم میکند و با ارزیابی های مستمر از ریسک به سازمان در دستیابی به اهداف کمک میکند (جوکان ۲۰۱۱). افزون بر موارد پیشگفته، حسابرسی داخلی فعالیت های مشاوره ای، اطمینان از بهره وری

عملیاتی و اطمینان از انطباق با قوانین و مقررات و راهبری شرکتی را دربر میگیرد (عبدالحمیدی ۱۳۹۳).

فرآیند راهبری شرکتی بر توسعه کفایت حسابرسی داخلی اثربخش برای حفاظت از دارایی ها تاکید میورزد (یانگ، ۲۰۰۲). کرملینگ و همکاران (۲۰۰۴) اظهار میدارند عملکرد حسابرسی داخلی یکی از زیربناهای اصلی راهبری شرکتی است. کمیته حسابرسی و مدیریت به بررسی سیستم کنترل داخلی تعیین شده از طریق راهبری شرکتی وابسته هستند (ماهزان و یان، ۲۰۱۴). غیرالزامی بودن بسیاری از اصول راهبری شرکتی به عدم رعایت آن ها از سوی شرکت ها منجر میشود که در این شرایط، مقامات نظارتی به کنترل و اجرای استانداردها قادر نخواهند بود (مدیرکیا، ۱۳۹۴). راهبری شرکتی برای ایفای نقش مؤثر بر سازمان، به سازوکارهایی از جمله هیأت مدیره و مدیریت، کمیته حسابرسی، واحد حسابرسی داخلی و حسابرس مستقل نیاز دارد. ریسکپذیری عنصری جدایی ناپذیر از راهبرد شرکت، محرکی برای دستیابی به اهداف و بخشی از تصمیم گیری در سازمان است. ریسک را میتوان به عنوان احتمال وقوع رویدادهایی در سازمان دانست که مانع رسیدن به اهداف میشوند (رای، ۲۰۰۸). رهنمودهای بینالمللی مدیریت ریسک ایزو ۳۱۰۰۰ در سال ۲۰۰۹ با عنوان «مدیریت ریسک، اصول و رهنمودها» به صورت استاندارد تدوین شده است. این استاندارد راهنما و مبنایی برای سازمانها به منظور بهبود مدیریت ریسک فراهم می آورد. هیأت مدیره با استفاده از اطلاعات کافی، سهامداران را از اجرای مؤثر مدیریت ریسک یا وجود ضعف در آن آگاه میسازد؛ بدین منظور در بیشتر کشورها، مقررات و آیین نامه هایی برای تحقق این امر تعریف شده است (مدیران بورس اوراق بهادار کانادا، توانایی ارزیابی و پاسخگویی به چگونگی مدیریت ریسک یک شرکت به دلیل اثرگذاری شرکت بر ذینفعان و بازارهای ملی و بین المللی، به ارتباطی فراتر از ارتباط میان سهامداران و هیأت مدیره منجر میشود (شبکه بین المللی راهبری شرکتی، ۲۰۱۰).

مدیریت ریسک به ریسک ها و فرصت های مؤثر بر خلق یا حفظ ارزش میپردازد و فرآیندی است که به هیأت مدیره، مدیریت و سایر کارکنان در تدوین راهبرد سازمان، شناسایی رویدادهای بالقوه مؤثر بر واحد تجاری و تعیین میزان دستیابی به اهداف باتوجه

به میزان ریسک پذیری آن، کمک میکند (رحیمیان و زمانی فرد، ۱۳۹۳). فرآیندهای مدیریت ریسک برای اثربخشی بایستی با سیستم های مدیریت سازمان یکپارچه شود. مدیریت ریسک برای حمایت از تصمیم گیری مدیران با عوامل دیگری مانند منابع انسانی، بودجه بندی و سیاست های اخلاقی پیوند میخورد (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳).

هیأت مدیره باید سطح تحمل ریسک شرکت را تعیین کند و بر عناصر کلیدی مدیریت ریسک برای محافظت از سرمایه گذاری سهامداران و دارایی های شرکت نظارت داشته باشد. همچنین کنترل های داخلی برای مدیریت ریسک حائز اهمیت هستند و هیأت مدیره باید در تبیین، اجرا و بررسی سیستم کنترل داخلی متعهد باشد (ماهزان و یان، ۲۰۱۴). در همین جهت حسابرسان داخلی نسبت به ادامه فعالیت های تجاری و بهبود وضعیت سازمان پس از وقوع بحران اطمینان میدهند. یکی از اصول کلیدی چارچوب کوزو ۲۰۱۳ مربوط به نظارت و ارزیابی بر ریسک تقلب است که باتوجه به آن، در صورتی که شرکت کوزو را پذیرفته باشد به بررسی مجدد میزان کفایت کنترل های موجود در سازمان نیاز دارد.

تعامل و ارتباط میان حسابرسی داخلی، راهبری شرکتی و مدیریت ریسک

براساس گزارش انجمن حسابرسان داخلی خبره، حسابرسان داخلی در بخش خدمات مالی مسئولیت ارزیابی صحت ریسک محاسبه شده قبل از وقوع رویدادهای استراتژیک را بر عهده دارند. مدیر اجرایی انجمن حسابرسان داخلی خبره اظهار میدارد که در مقررات کنونی، نقش حسابرسی داخلی به عنوان عنصر کلیدی در مدیریت ریسک در نظر گرفته شده است. حسابرسان داخلی به تصمیم گیری در شرایط بحرانی کمک میکنند و نسبت به درستی بررسی و مدیریت ریسک هایی که در شرکت ایجاد میشوند؛

اطمینان میدهند. امروزه تحلیلگران مالی برای ارزیابی مدیریت ریسک، جایگاه و تأثیر حسابرسی داخلی را افزون بر سایر عوامل مورد توجه قرار میهند تا دریابند تصمیم های استراتژیک چگونه اتخاذ میشود و آیا هیأت مدیره به پشتوانه حسابرسان داخلی به چالش های مدیریتی میپردازد؟ (بیاتی، ۱۳۹۳). هیأت مدیره در سازمان ملزم به افشاء موارد زیر است: (مدیران بورس اوراق بهادار کانادا، ۲۰۱۰)

- ۱- اطلاعات مربوط به ریسک های ناشر و تعیین مهمترین آن ها؛
 - ۲- مشاوره نسبت به چگونگی یکپارچه شدن مدیریت ریسک با سایر فرآیندهای تجاری مهم سازمان، مانند مدیریت راهبردی؛
 - ۳- سیاست سازمان در برخورد با مدیریت ریسک؛
 - ۴- ارزیابی هیأت مدیره در اثربخشی سیاست ها و روش های مدیریت ریسک؛
- حرفه حسابرسی داخلی از طریق موارد زیر میتواند به تحقق اهداف مذکور توسط هیأت مدیره کمک نماید (مدیران بورس اوراق بهادار کانادا، ۲۰۱۰):

- ۱- ایفای نقش در مدیریت ریسک سازمان؛
- ۲- پشتیبانی از مدیریت ریسک از طریق اطمینان بخشی نسبت به وجود کنترل های مربوط به نقاط بحرانی؛
- ۳- توسعه تکنیک های جدید برای نظارت، بررسی و ارتباط میان مدیریت ریسک و راهبری شرکتی؛
- ۴- همکاری گسترده حسابرسان در سراسر جهان به منظور رویارویی با چالش ها و تغییر در الزامات و آموزش حسابرسان داخلی. مدیریت ریسک به دنبال کاهش احتمال پیامدهای زیانبار و افزایش احتمال پیامدهای مفید حاصل از تصمیم گیری های انجام شده در سازمان است. بنابراین، تمرکز حسابرسی داخلی نباید صرفاً به کنترل در سازمان معطوف باشد، بلکه باید به توانایی سازمان در مدیریت ریسک هم توجه داشته باشد (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳). در این جهت، پیشنهاد بازنگری در قانون ساربنز آکسلی به منظور تغییر تمرکز حسابرسی داخلی از کنترل به مدیریت ریسک مطرح شده است.

نقش حسابرسان داخلی کمک به تصمیم گیرندگان در دستیابی به مناسب ترین راهکارهای بهبود ریسک است. خروجی فرآیند مدیریت ریسک، از طرفی برنامه بهبود ریسک است و از طرفی دیگر، شروعی برای حسابرسان داخلی و توسعه برنامه حسابرسی داخلی میباشد. حسابرسی داخلی برای اجرای اثربخش مدیریت ریسک باید نقش ها و مسئولیت های خود را بروزرسانی کند.

یکی از مواردی که در این جهت مورد بررسی قرار میگیرد؛ ارتباط و همسویی حسابرسان داخلی و مستقل است. انجام حسابرسی های مستقل از نتایج کار حسابرسان داخلی نسبت به مدیریت ریسک کلی سازمان است (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳). حسابرسان داخلی میتوانند با تشکیل کمیته ارزیابی ریسک و یا از طریق خود ارزیابی ریسک، ریسک های بالقوه در سازمان را شناسایی نمایند (باقرپور، جهانبانی و ظفرزاده، ۱۳۹۳). حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک به حسابرسی مدیریت ریسک در سازمان اشاره میکند. در سال های اولیه استقرار سیستم مدیریت ریسک در سازمان، ممکن است حسابرس داخلی به طور مستقیم در شناسایی ریسک، ارزیابی تأثیرات آن، بهبود واکنش نسبت به ریسک های مختلف و طراحی کنترل ها دخالت نماید. حسابرسی داخلی به بهبود سیستم مدیریت ریسک کمک میکند و به علت درک بهتر از تجارت و ریسک، ارتباط با مدیران در تمام سطوح سازمان و مهارت ارتباطی بالاتر، نسبت به سایر عناصر موجود در سازمان تأثیر بیشتری دارد. حسابرسی داخلی اطمینان میدهد که تمام تصمیم گیرندگان در سازمان ریسک پذیری و مدیریت ریسک را درک کرده اند و آن را در مدل های تصمیم گیری به کار گرفته اند. حسابرسی داخلی ضعیف نشاندهنده ریسک شکست راهبری شرکتی برای سهامداران و سایر ذینفعان است (باتاچاریا، ۲۰۱۵).

باتوجه به اینکه حسابرسی داخلی مسئول پاسخگویی در بخش راهبری شرکت است و به صورت مستقیم استراتژی هایی را برای مدیریت فراهم می نماید؛ در اصطلاح حسابرسان داخلی به عنوان چشم و گوش هیأت مدیره در سازمان شناخته میشوند. یکی از عواملی که میتواند به ضعف نظام راهبری شرکتی منجر شود؛ مدیریت نامناسب ریسک مانند نظارت ناکارآمد حسابرسی داخلی است (اسدی و اصغری، ۱۳۹۳). حسابرسی داخلی با استفاده از رویه های سیستماتیک و منظم به بهبود فرآیندهای مدیریت ریسک و نظارت بر ریسک های سازمانی کمک میکند (دیلویت، ۲۰۰۵) و نقش روزافزونی در راهبری شرکتی یافته است (رضایی، ۲۰۰۹).

نتایج پژوهش دراگالاس و همکاران (۲۰۱۱) نشان می دهد راهبری کارآمد شرکت برای شرکت هایی که در کشورهای در حال توسعه فعالیت میکنند امری ضروری است و برای دستیابی به آن باید از حسابرسی داخلی جهت ایجاد اطمینان و خدمات مشابه استفاده

نمایند. کائو و همکاران (۲۰۱۵) دریافته اند که روش های جدید کنترل داخلی مبتنی بر ریسک باعث تقویت روابط بین حسابرسی داخلی و راهبری شرکتی میشوند.

مدیریت ریسک سازمان و نقش حسابرسی داخلی در پیاده سازی آن:

مدیریت ریسک سازمانی فرآیندی است که توسط هیات مدیره، مدیریت و سایر پرسنل واحد استقرار می یابد. این فرآیند در تدوین استراتژی های کلی بنگاه اقتصادی و تشخیص رویدادهایی که ممکن است به طور بالقوه بر واحد اثر گذارد، به کار گرفته می شود. تعیین تمام ریسک های احتمالی در یک فرایند و احتمال وقوع آنها، بخش اصلی ارزیابی ریسک یک سازمان است. بر این اساس، مدیریت ریسک بنگاه را می توان به عنوان فرآیندی پیوسته و سازمان یافته در کل سازمان برای تعیین، ارزیابی، تصمیم گیری در زمینه پاسخ و گزارشگری درباره فرصت ها و خطراتی تعریف کرد که دستیابی به اهداف را تحت تاثیر قرار می دهد.

مدیریت ریسک سازمانی، از کنترل داخلی گسترده تر است. بدین معنا که مدیریت ریسک سازمانی به تشریح کنترل داخلی پرداخته و تمرکز مستقیم و بیشتری بر مفهوم "ریسک" دارد. کنترل داخلی، بخش جدایی ناپذیری از مدیریت ریسک سازمانی است در حالی که مدیریت ریسک سازمانی خود بخشی از فرآیند راهبری است. مدیریت ریسک در استاندارد ISO ۳۱۰۰۰ فعالیت های هماهنگ جهت هدایت و کنترل یک سازمان با توجه به ریسک می باشد در این استاندارد ساختار مدیریت ریسک مجموعه ای از اجزاء که اساس و ترتیبات سازمان جهت طراحی، اجرا، پایش، بازنگری و بهبود مستمر مدیریت ریسک در سراسر سازمان را فراهم می آورد، می باشد. استانداردها و توصیه های عملی ارائه شده توسط انجمن حسابرسان داخلی، مشارکت حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه را تشویق نموده اند.

ارزیابی اثربخشی طراحی فرایند مدیریت ریسک و کنترل های داخلی:

حسابرسی داخلی فرایند مدیریت ریسک و فعالیت های کنترلی مرتبط را مستند نموده و ارزیابی می کند که آیا کنترل ها همان گونه که برنامه ریزی شده اند، اطمینان منطقی فراهم می کنند که فرصت ها و تهدیدها به نحو مناسب تحت کنترل قرار گرفته است. حسابرسی داخلی در این بخش مناسب بودن طراحی کنترل ها را ارزیابی می نماید. کنترل ها میبایست به گونه ای طراحی شوند تا ریسک را کاهش دهند به گونه ای که اهداف کنترل داخلی و مدیریت ریسک حاصل شوند. اگر نارسایی های با اهمیت طراحی وجود داشته و توسط حسابرسی داخلی گزارش گردد، باید به موقع و قبل از آزمون اثربخشی اصلاح شوند. حسابرسان داخلی و مدیران ریسک، دانش، مهارت ها و ارزش های مشترکی دارند. برای مثال هر دو الزامات راهبری شرکتی را درک می کنند، مهارت های تحلیلی دارند و هر دو توازن مناسبی از ریسک را به جای ریسک پذیری و ریسک گریزی مفرط، مورد ارزشیابی قرار می دهند. به هر حال مدیران ریسک که به سازمان خدمات اجرایی در حوزه ریسک ارائه می کنند، نمی توانند همانند حسابرسان داخلی وظیفه اطمینان، بخشی عینی و مستقل را در رابطه با عملکرد مدیریت ریسک به مدیریت ارشد و کمیته حسابرسی بر عهده داشته باشند.

خدمات مشاوره ای مستقل و بی طرفانه حسابرسی داخلی:

در مورد مدیریت ریسک در عرصه سازمان، حسابرسی داخلی می تواند خدمات مشاوره ای را در صورتی فراهم کند که خود نقشی در مدیریت ریسک ها که از جمله مسئولیت های مدیریت محسوب می شود، نداشته باشد و مدیریت ارشد نیز به طور فعالانه از مدیریت ریسک در عرصه سازمان پشتیبانی و حمایت کند. توصیه می شود که هر جا حسابرسی داخلی به گروه مدیریت کمک می کند تا فرایندهای مدیریت ریسک را ایجاد کرده و یا بهبود بخشد، برنامه کاریش به گونه ای باشد که یک راهبرد و برنامه زمانی برای انتقال مسئولیت اینگونه فعالیت ها به اعضای گروه مدیریت داشته باشد. حسابرسی داخلی می تواند خدمات مشاوره ای برای سازمان فراهم کند که راهبری مدیریت ریسک و فرایندهای کنترلی را بهبود بخشد. لازمه ایفای این نقش اطمینان یافتن از حفظ استقلال و بی طرفی حسابرسی داخلی است.

اطمینان بخشی بی طرفانه حسابرسی داخلی از فرایند مدیریت ریسک:

یکی از الزامات کلیدی هیات مدیره این است که نسبت به فرایندهای مدیریت ریسک و کارکرد موثر آنها و همچنین مدیریت مناسب ریسک ها در سطوح قابل قبول، اطمینان حاصل نماید. این اطمینان از منابع مختلفی دست یافتنی است و لیکن این امر باید به شیوه ای اطمینان بخش و بی طرفانه تکمیل شود و دقیقا به همین دلیل است که نقش حسابرسی داخلی پر اهمیت می شود لذا حسابرسی داخلی یک منبع کلیدی در این ارتباط است. به طور تاریخی سنتی حسابرسی داخلی برای ایجاد اطمینان نسبت به قابلیت اتکاء اطلاعات مالی و محافظت از دارایی های شرکت طراحی شده است اخیرا حسابرسی داخلی توسعه یافته به نحوی که حسابرسی عملیاتی، ارزیابی ریسک، خدمات اطمینان بخشی، فناوری اطلاعات و غیره را در بر می گیرد.

نتیجه گیری

باتوجه به افزایش روزافزون نقش حسابرسی داخلی در سازمان ها، تبدیل حسابرسی داخلی به عنوان عنصر حامی اقدامات مدیریت در راهبری شرکتی و ابزاری برتر برای شناسایی ریسک در طول زمان نیاز وجود دارد. حسابرسی داخلی با رویکردی منظم، ارزیابی و بهبود کارایی و اثربخشی کنترل و مدیریت ریسک را تحت پوشش قرار میدهد. اهداف و مواضع مشترکی میان حسابرسان داخلی و مدیریت وجود دارد. از این رو، مدیران باید توصیه های حسابرسان داخلی را درک کنند و آگاه باشند که حمایت از آنها باعث به کنترل درآوردن ریسک های موجود میشود.

تاکنون اهمیت و جایگاه حسابرسی داخلی مورد توجه کمتری از سوی سازمان ها و استانداردارگذاران قرار داشته است. در سالهای آتی، حسابرسان داخلی به منظور داشتن نقش مؤثر و پایدار در موفقیت سازمان، مسئولیت های ویژه ای را میپذیرند. به عنوان نمونه، هنگام ارزیابی ریسک و تعیین برنامه حسابرسی داخلی به صورت استراتژیک عمل میکنند؛ مدیران را نسبت به وجود ریسک های بالقوه در سازمان آگاه و بر گزارشگری غیرمالی، رعایت و عملیاتی تمرکز میکنند.

حسابرسان داخلی، نقش های خود در مدیریت ریسک بنگاه را مطابق با بیانیه انجمن حسابرسان داخلی، انجام نمی دهند. زیرا، علاوه بر بسیار پایین بودن میانگین مسئولیت واقعی حسابرسان داخلی در قبال نقش های هسته ای حسابرسی داخلی در مدیریت ریسک بنگاه نقش های مشروع حسابرسی داخلی در قبال تدابیر حفاظتی، نقش هایی که حسابرس داخلی نباید ایفا نمایند، گستردگی زیادی داشته است.

منابع

- ۱- نظری، هنگامه؛ فناده، مصطفی (۱۳۹۶). «حسابرسی داخلی، راهبری شرکتی و مدیریت ریسک». راهبردهای حسابداری، سال اول، شماره اول، صص ۳۰-۴۰.
- ۲- آزاد، عبدالله؛ بختیاری، مهرداد (۱۳۹۰). «جایگاه کمیته حسابرسی، حسابرسی داخلی و کنترل‌های داخلی در نظام راهبری شرکتی». مجله حسابدار رسمی، شماره ۱۳، صص ۹۸-۹۲.
- ۳- باقرپورولاشانی، محمدعلی؛ جهانبانی، مصطفی؛ ظفرزاده، سمیه (۱۳۹۳). «ارزش‌آفرینی حسابرسی داخلی مبتنی بر ریسک». دومین کنگره سالانه حسابرسی داخلی؛ ارزش‌آفرینی در اقتصاد، نقش‌آفرینی در فرهنگ، تهران، انجمن حسابرسان داخلی ایران، ۲۸ مهر ۱۳۹۳.
- ۴- بیاتی، زهره (مترجم) (۱۳۹۳). «نقش مهمتر حسابرسی داخلی در ادغام و تملک و مدیریت ریسک». دوماهنامه حسابرسان داخلی، سال اول، شماره ۴، صص ۴۰-۳۹. نویسنده: ساراویت.
- ۵- رحمانی، علی (۱۳۹۳). «حسابرسی داخلی: کامیابیها و چالش‌های آینده». مجله حسابرس، شماره ۷۵، صص ۸۲ و ۸۳.
- ۶- رحیمیان، نظامالدین؛ توکلنیا، اسماعیل (۱۳۹۱). «نقش حسابرسی داخلی در کیفیت سیستم کنترل داخلی». مجله حسابرس، شماره ۵۹، صص ۱۰۴-۱۱۳.
- ۷- رحیمیان، نظامالدین؛ زمانفرد، ندا (۱۳۹۳). «بهبود کارگیری چارچوبهای کنترل داخلی و مدیریت ریسک در سازمانهای دولتی و غیرانتفاعی». دوماهنامه حسابرسان داخلی، سال اول، شماره ۳، صص ۲۰-۸.
- ۸- سلیمانی، غلامرضا؛ مقدسی، مینا (۱۳۹۳). «نقش کنترل‌های داخلی، حسابرسی داخلی و کمیته حسابرسی در بهبود نظام راهبری (حاکمیت) شرکتی». مجله پژوهش حسابداری، شماره ۱۲، صص ۶۳-۷۷.
- ۹- عبدالحمیدی، محمدجواد (۱۳۹۳). «حدود وظایف حسابرسی داخلی در حاکمیت شرکتهای بورسی». ماهنامه بازار و سرمایه، شماره ۵۶ و ۶۱ و ۶۰، صص ۵۷.
- ۱۰- مدیرکیا، پروانه (۱۳۹۴). «نقش حسابرسی داخلی در اصول راهبری شرکتهای و بحرانهای جاری». دوماهنامه حسابرسان داخلی، سال دوم، صص ۳۲-۲۸، شماره ۶ و ۵.
- ۱۱- موسوی شیرینی، محمود؛ توکل نیا، اسماعیل؛ شاکری، ماهرخ (۱۳۹۲). «مشارکت حسابرسان داخلی در مدیریت ریسک بنگاه». فصلنامه دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، شماره ۷، پاییز

- 1- Bhattacharyya, A. K. (2015). “Internal Audit-Its Role in Corporate Governance”. Available at SSRN .۲۶۲۱۱۴۹
- 2- Cao, L., Li, W., & Zhang, L. (2015). “Audit mode change, corporate governance and audit effort. ”China journal of accounting research, working paper .
- 3- Caratas, M. A., & Apatariu, E. C. (2014). “Contemporary approaches in internal audit” .Procedia economics and finance, 15, 530-537 .
- 4- Kagermann, H ., & kinney, W ., & Kuting, K ., & Webwer, c-p. (2008). “Internal audit handbook :management with the SAP-Audit Roadmap” .First edition .
- 5- Karagiorgos, T., Drogalas, G., Christodoulou, P., & Pazarskis, M. (2010). “ Internal Auditing as an Effective Tool for Corporate Governance” .Journal of Business Management, 2(1), International Science Press, 15-23 .
- 6- Mahzan, N., & Yan, C. M. (2014). “Harnessing the benefits of corporate governance and internal audit :advice to SME” .Social and behavioral sciences, 115, 156-165 .
- 7- Moeller, R. (2009). “Brink’s modern internal auditing: A common body of knowledge published by John Wiley & Sons, Inc, Seventh Edition .
- 8- Munteanu, V., & Zaharia, D. L. (2014). “current trends in internal audit” .Social and behavioral sciences, 116, 2239-2242 .
- 9- Sawyer, B. L. (2003). “Sawyer’s internal auditing, the practice of modern internal auditing” .The institute of internal auditors, 5th end, 1061-1102 .
- 10-Stanciu, V. (2012). “Internal audit-rising to the challenge” .7th International conference “accounting and management system”., June 13-14, Bucharest, Romania .
- 11-Young, M. R. (2002). “Accounting irregularities and financial fraud” .A corporate governance guide ,Aspen Law & Business, New York .
- 12-Zaharia, D. L., Lazar, A., & Tilea, D. M. (2014). “The role of internal audit regarding the corporate governance and the current crisis” .Social and behavioral sciences, 116, 4819-4823